



• چهارشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۹۷ • شماره ۱۲۸۳

حدیث روز

امام صادق (ع): دوست ندارم جوانی از شما [شیعیان] را جز بر دو گونه ببینم: دانشمند یا دانشجو.

الأمالی طوسی

ذکر روز چهارشنبه

صد مرتبه «یا حی یا قیوم»

در محضر بزرگان

حرم ت زمان بالاتراز حرم مال است

استاد شهید مرتضی مطهری نوشته اند:

ما ارزش پول را خوب درک می کنیم ولی ارزش وقت و زمان را درک نمی کنیم. معمولا اشخاص تربیت یافته که به حقوق دیگران تجاوز نمی کنند و از خدا می ترسند، ممکن نیست ده شاهی مال کسی را بخورند و تلف کنند و اگر احیانا مال دیگری را تلف کردند از مال خودشان جبران می کنند، ولی همین اشخاص که این قدر برای مال دیگران حرمت و حقوق قائل اند، برای عمر دیگران حرمتی و حقی قائل نیستند. به خودشان حق می دهند به بهانه ای وقت دیگری را تلف کنند، مثلا خلف وعده می کنند... رسول اکرم (ص) می فرماید: حرمت عمر و زمان بالاتر از حرمت مال است.

«حکمت ها و اندرزا»

کار یکلماتور

سید مصطفی صابری

• برای آن که دنیا بدانند همه چیز را در گوش تو گفتم که دنیای منی! درسته گذشته ها گذشته، اما گذشت هم در گذشته؟ • خندیدن به گریه های دیگران خنده دار و گریستن به خنده های دیگران گریه دار است. • فوتبالیستی که رودست نداشت روپایی می زد. • برای خودشناسی خود به خود به خود می اندیشید.

بریده کتاب

پیروزی با استفاده از اطلاعات

در دنیای مدرن ما، همه چیزها به سراغ کسی می روند که راه استفاده از اطلاعات را بلد است. این دستورالعمل رسیدن به قدرت است، و آن هایی که می گذارند اطلاعات از چنگ شان در برود، بدجوری شکست می خورند.

«زندانی لاس لوماس» اثر کارلوس فونتنس

قرار مدار

روز می نگرفتن (روزگار)

گاهی توی بعضی شرایط باید بی خیال باشیم و می نگیریم... به کم فکر کنیم و ببینیم چه جاهایی از زندگی الکی مرض فوردین و الان اون لفظها بدون تومه به مرض های شما گذشتن

اندکی صبر

دیوار چین

منوچهر پور زریں

پای دیوار چین منتظر ت هستم با دامن چین دار ت بیا تاز دور ببینمت!

دنیا به روایت تصویر



رویترز| باز دید پدر بزرگ نوه از نمایشگاه ساخت اسباب بازی با ضایعات قابل بازیافت، روسیه

سه نقطه



منتخب چی شده؟

کلاه گذاشتن برای سر گرمی!

سلام و دم تون گرم، این دفعه کولاک کردین و برخلاف میل مون مجبور شدیم خیلی از پیامک ها رو کم کنیم تا تو صفحه جابشن! ممنون از همه دوستانی که درست و طبق روش گفته شده تو مسابقه شرکت کردن. پیامک های بی ربط و بی نام و بی مزه متاسفانه حذف شدن. چندتا از جمله های بانمک تر رو انتخاب کر دیم که می خونید. دم تون گرم و خوش باشین همیشه.

• قیافه من وقتی دبیر وارد کلاس شده و هنوز از زیاد بودن پله ها نفس نفس می زنه و میگه بچه ها کتابتون رو باز کنید! • وقتی میرین بازار و بهترین «سر گرمی» رو واسه بچه تون می خرین!

• حسن قدیری • بابا: پسر م بذار این لباس ۲۱۶ همی رو بدم... ماما ن: گریه نکن عجبم، مگه چی شده؟ فقط ۱۰۰ تای دیگه مونده! • سید علی مصطفوی ۱۴ ساله • ماما من دیگه نمیرم سر آجیل ها... دستام رو بستین چشمام رو نبندین دیگه... قول میدم! • رضا عرب، روستای زوزن • محمدرضا صدفیان • اتل متل توتوله، تنهایی ام ناجوره! • یارب این نوگل خندان که سپردی به منش اون قدر لوس و نر شد که سپردم به نشش! • هی نی نی جون اخم نکن جانم، مسئولان محترم قول کنترل قیمت ها رو دادن، همه چی درست میشه، جیغ زن! • بابا جون اون زمان شما بود که کفش بزرگ تر می خریدن که چندتا برادر با هم استفاده کنند، الان کلاه رو که بزرگ تر نمی گیرن! • عباس یعقوبی • ای بابا ولم کنید، از همین حالا کلاه سرم می دارین بابت ۴۵ هزار تومن یارانه ام که بکشین بالا! • مهدي سلطانی • نه نه نه ول کن مخوام بُرم، هر کار بکِن قشنگ نُرم، مو به خنه منمن. جاهاز خوب بدن شو هم پیدا مِره! • علی کرامتی • ناراحتی یک نوزاد پر سیولِیسی بعد از نشان دادن عدد چهار توسط یک پرستار استقلالی! • حسین ثالث • ای بابا، تا به دنیا اومدم سرم کلاه گذاشتن! • نادیا میراب شیبستری • بابا من نمی خوام حاجی فیروز بشم، ولم کنید، تو این گرونی مردم حاجی ارزونی می خوان! • مهدی حسن آبادی • واسه ۵۰ تومن عیدی که قراره خاله بده و ماما من جون میدار تو جیب خودش، ببین با من چکار می کنن!

دانستنی ها



آسوشیتد پرس| خدمات نظافت گوش در محل پذیرفته می شود!

تایخند

- رفتم کفش بخرم قیمت ها رو که دیدم، گفتم من که با اقوامم رو در بایستی ندارم بادمپایی میرم عید دیدنی!
- سه تا دزد که از خشکبار فروشی و داروخونه ها حدود ۴ میلیارد سرقت کرده بودن دستگیر شدن، گویار قابت بین دزدها و اختلاسگر ها وارد مرحله فینال شده!
- از الان باید واسه روز هایی که مهمون میاد منم مثلا خونه نیستم، آذوقه جمع کنم تو اتاقم!
- یه زمانی مسواک نمی زدم تا به دندون هام نشون بدم رئیس منم، ولی دندونام با خراب شدن و به زانو در آوردم با درد، به من نشون دادن که هیچی نیستم، هیچی!
- ولی امسال پتانسیل یک «روز زن» دیگه رو هم تو تقویم داشت!

دور دنیا

سیگار کشیدن دانشجویان سر کلاس!



استاد یا دیگر همکلاسی ها قرار بگیرند به راحتی سیگار دود می کنند! با بررسی بیشتر مشخص شد درسی که استاد در حال ارائه آن بوده، درباره تنباکو و استفاده از آن بوده است و برای این که دانشجویان بهتر با این گیاه آشنا شوند، به آن ها گفته شده بود که می توانند سر کلاس سیگار بکشند!

آغاز ساخت پنجمین بالکن شیشه ای مر تفع جهان



سی ان ان- به زودی یکی از بلندترین بالکن های تفریحی به شکل عر شه با نام «لبه» (Edge) بر فراز ساختمان هادسون در نیویورک ساخته خواهد شد. با ساخت این سازه، یک جاذبه گردشگری دیگر به نیویورک افزوده می شود. گردشگران بارفتن به روی این عر شه شیشه ای، منظره توصیف ناپذیری را از شهر در ارتفاع ۳۳۰ متری زیر پای خودمی ببینند. این سکواز نظر ارتفاع پنجمین در جهان خواهد بود.

سخت گیری عجیب مادر چینی



آدیتی سنترال - مادر چینی برای تنبیه پسر ۱۲ ساله اش که در امتحان نمره ۸۱ کسب کرده بود، او را در وسط یکی از شلوغ ترین خیابان های شهر از خودرو پیاده کرد و خودش رفت! پلیس با دیدن این پسر ۱۲ ساله که در خیابان پرسه می زد، متوجه

داستان عجیب مادر سخت گیرش شد و با بررسی دوربین های مدار بسته مادر را شناسایی کرد و پسرش را به او سپرد اما جریمه سنگینی در انتظار این مادر است.

شعر طنز

وضع عید ما

سحر بهجو | شاعر و طنز پر از

وضعیت امسال هم ناجور بود ول معطل بوده ایم و آس و پاس هم سرم دنبال یک شال بنفش کت بخواد با جلیقه... یا علی! در سرش دق دادن این جانب است خواب راحت بوده و ختم کلام عیدها هی در کمین باشد عمو!

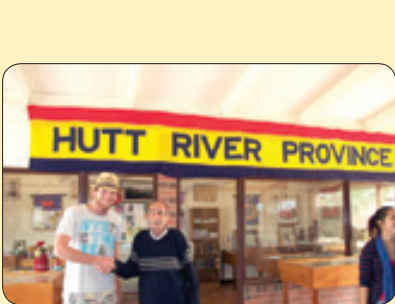
شعر طنز

سرزمین فسقلی و غیر رسمی!



منبع: news.com

سرزمین «هات ریور» کشوری است که ادعا می شود در ۲۱ آوریل ۱۹۷۰ به استقلال رسیده است. این قلمرو در ۵۱۷ کیلومتری شهر «پرت» در غرب استرالیا واقع شده است و ۷۵ کیلومتر مربع مساحت دارد. البته این کشور از طرف بقیه ملل و حتی استرالیا به رسمیت شناخته نمی شود! داستان از این قرار است که در سال ۱۹۶۹ شخصی به نام «لئونارد کازلی» در مزرعه اش در استرالیا اعلام استقلال کرد، پرچم در نظر گرفت و آن را کشوری مستقل شناخت. در سال ۱۹۷۷ علیه حکومت استرالیا اعلام جنگ کرد، اما از آن جا که استرالیا آن را جدی نگرفت و جنگی روی نداد، کازلی خود را پیروز جنگ قلمداد کرد! گفته می شود برای رفتن به مزرعه این فرد باید ویزای آن جا را تهیه کنید. این سرزمین به دلیل پول، پاسپورت و تمبر مخصوص به خود که مورد تایید هیچ کشور دیگری نیست، مورد استقبال گردشگران واقع شده است. کازلی عنوان «شاهزاده لئونارد» را برای خود انتخاب و القاب سلطنتی مختلفی به اعضای خانواده اش اعطا کرد! او در سال ۲۰۱۷ سلطنت را به پسر بزرگش واگذار کرد و چند روز پیش در ۹۳ سالگی در گذشت.



ای بی ای| خبرنگاری چینی مراسمی را تحت پوشش دقیق خود قرار داده است

تفال

شدر هزن سلامت زلف تووین عجب نیست

گرا هزن تو باشی صد کاروان توان زد

حافظ به حق قرآن کر شید وزرق باز آی

باشد که گوی عیشی در این جهان توان زد

از اون لحاظ

سیب



مهرشاد مرقضوی | طنز پر از

حسنی بچه باهوش اما تنبلی بود که دایم سرش توی گوشی بود و از خرید و فروش بیت کوین و سهام به پول خوبی رسیده بود. یک روز دیگر ننه حسن (ظاهرا قدیم مردم اسم بچه انتخاب نمی کردند، یک ضرب می رفتند سراغ اسم نوه!) خسته شد و تصمیم گرفت حسنی را از جایش بلند کند، بلکه دنیا را ببیند و کمی هم تحرک داشته باشد و با چهار نفر معاشرت کند، شاید سر و همسری اختیار کرد! فکری به ذهنش رسید. رفت داخل انبار و چند کیلو از سیب هایی را که احتکار کرده بود، آورد چید از جلوی دست حسنی تا سر کوچه.

حسنی که از خواب بیدار شد، چشمش به سیب ها افتاد و برق از سه فازش پرید. فریاد زد: «ننه این سیبا رو کی ریخته زمین؟ می دونی الان سیب کیلویی چنده؟ بیا جمعشون کن.» اما صدایی نیامد. حسنی دوباره داد زد، ولی ننه توجهی نکرد. آخرش با مشقت زیاد روی زمین قل خورد و سیب های کف اتاق را جمع کرد. بعد چشمش به سیب های توی حیاط افتاد. بعد کوچه. همین طوری تا سر خیابان رفت. ناگهان به خودش آمد و دید راه برگشت را گم کرده. با خودش گفت: «دیگه ما که تا این جا اومدیم، یک از دواجم بکنیم برگردیم.» همین طوری که دنبال کیس مناسب می گشت، وار د پاساژی شد و پسر ی را دید که داشت از یک دختر خواستگاری می کرد. حسنی در ابتدا به امر خطیر از دواج علاقه مند شد اما وقتی چشمش به قیمت لوازم خانگی افتاد کلاهوش و هوس از دواج از سرش پرید.

پس تصمیم گرفت راه در ست را برود. بچسبد به اقتصاد و درآمدزایی کند. برای شروع، سیب هایی را که جمع کرده بود شب عید کیلویی خیلی تومان فروخت. همین طوری خرید و فروخت و پول پول گذاشت و به افراد بانفوذی وصل شد و وام گرفت و کارخانه آب سیب زد و آب قاطی اش کرد و باز وام گرفت و شرکت سیب گستران شرق (نماینده گی انحصاری اپل در ایران - کی به کیه؟) را تاسیس و آن جا هم پولشویی کرد و بعد از مدتی پول مردم و وام ها را اختلاس کرد و سرش را تراشید و با قیافه مبدل (حسن کچل) از کشور خارج شد و ننه حسن را هم برد کانادا و برایش ماسک سیب ویژه جوان سازی پوست خرید و به خیر و خوشی زندگی کردند.

پس نتیجه می گیریم که سیب بخورید، خیلی خاصیت دارد!

یادش به خیر



ماوشما

راه ار تباطی با ما: پیامک ۰۹۹۹۲۰۰ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

• سه نقطه در باره جعبه قنادی با مزه بود، دست تون درد نکنه. • تسخرین، سوسن و مریم با ذربان • آق کمال: بی صبرانه منتظرم تا چشمام روشن بره! • بار اندوه را به تنهایی می توان کشید، اما برای شاد بودن به یک همدم نیاز است. مسعود مجنون پور • آق کمال: آیا می دانی هوای بالای سرم ابری است، بالش زیر سرم هم ابری است؟! • آق کمال: نه به جان خودم... ای خبر ای مهم ره یگهویی بهم نگو، قسمت بشه یک روز پیام از نزدیک

• سرزمین مسابقه «این کیه»

گاهی کمی سخت می شود، لطفا

بیشتر راهنمایی کنید.

• کمال جان باز امسروز از جلو

اداره تان رد شد،م سعاد ت نداشتم

بیام یک چای با هم بخورم. ایشالا

قسمت بشه یک روز پیام از نزدیک